

تأثیر سیاست های مالی بر حقوق شهروندی در عراق بعد از سال ۲۰۰۳ میلادی

چکیده

سیاست مالی ابزار اصلی در سیاست گذاری عمومی و اقتصادی به شمار می‌رود و در تقویت مکانیسم ملی و رسیدگی به مشکلات و چالش‌ها تأثیر گذار بوده است. در اینجا نقش نهادهای قانونی و اجرایی مربوطه در حوزه سیاست مالی و حقوق بشر بسیار حائز اهمیت است. عراق مانند دیگر کشورها با ایجاد ارگان‌های مالی، قوانین منظم حقوقی و اختیارات خود را در مدیریت سیاست مالی کشور توسعه داد. در این راستا، این امر با مشکلات و موانع عدیده‌ای روبرو شد که بارزترین این موانع، فقر و بیکاری بود. در این مقاله، نویسندگان با روش علی و معلولی درصدد پاسخگویی به این سؤال هستند که سیاست‌های مالی تا چه اندازه در تضمین حقوق شهروندی در عراق پس از سال ۲۰۰۳ مؤثر بوده‌اند؟ یافته‌های مقاله حاکی از آن است که حقوق بشر بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی در محدودیت‌های امنیت ملی و منافع عمومی ملت بعد از ۲۰۰۳ در نوسان بوده و اقتصاد رانت خواری عراق، ضعف عراق را در عجز وی در عدم وابستگی بودجه ملی به درآمدهای نفتی به اثبات می‌رساند. عدم مطابقت سیاست‌های مالی عمومی با سیاست‌های سازمان بین‌المللی سبب شکست وی در برنامه‌های اصلاحی اقتصادی عراق شد. افزایش چشمگیر نرخ فقر و بیکاری که ناشی از عجز نیروی کار تجدیدپذیر مازاد توسط بخشهای اقتصادی بود، به عدم تعادل پیچیده در ساختار تولید و منابع منجر شد. مشارکت

ضعیف بخش خصوصی در تولید به جذب نیروی کار مازاد رو به رشد، فشار عظیمی بر دولت و بودجه عمومی وارد آورد.

کلیدواژه: سیاست مالی، حقوق شهروندی در عراق بعد از سال ۲۰۰۳، امنیت ملی، ارگان های بین المللی، بودجه ملی.

مقدمه

عراق پس از سال ۲۰۰۳ با اعمال اصلاحات سیاسی و اقتصادی وارد مرحله جدیدی از بازسازی اقتصاد شد و این امر به منظور بازسازی ارگان های دولت عراق که کاملاً ویران شده بودند، صورت پذیرفت؛ چرا که اقتصاد عراق از چالش ها و انحرافات عمده ای در ساختار تولید وجود داشت، رنج می برد. این بازسازی در نظام سیاسی دموکراسی سالمی صورت پذیرفت که در آن عدالت، برابری، احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون وجود داشت. بدین منظور قوانین منضبط اصلاحی برای سیاست های اقتصادی، پولی و تجاری تعبیه شد تا به رفع مشکلات اقتصادی موجود بپردازد.

دستاورد تغییر در فلسفه مدیریت حکومت، تصمیمات متعدد سیاسی و اقتصادی حکومت باعث شد اقتصاد عراق راه خود را برای گشودن به دنیای خارج بگشاید و روش مدیریت اقتصاد را از تمرکزگرایی فراگیر به اقتصادی که در خدمت عراق و ملت عراق باشد، تغییر بدهد (خلیل اسماعیل، ۲۰۰۶: ۷۰). بنابراین، اقتصاد عراق از نابسامانی های اقتصادی و همچنین جهت گیری متناقض سیاست های مختلف اقتصادی به ویژه (سیاست مالی) آسیب زیادی دید؛ با این اوصاف عراق، همچنان به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه باقی ماند؛ چرا که وی وظیفه تأمین بخش بزرگی از حقوق بشر را بر عهده داشت.

آنچه که در اینجا مبرهن است، چنین است که کشور عراق علارغم در آمد نفتی زیادی که در سال ۲۰۰۳ دریافت می نمود، شهروندان عراقی از درآمد سرانه پائینی نسبت به کشورهای توسعه یافته برخوردار بودند. دلیل این امر را می توان در ضعف سیاست های مالی و نقدی و عقب

ماندگی دستگاه های دولتی جستجو نمود. علاوه بر آن، فقر و بیکاری و تورم، کمبود بودجه، بدهی های خارجی، فساد اداری، مالی و مشکلات دیگر اقتصادی به طور مستقیم بر حقوق انسان و هموطنان عراقی تأثیر گذاشت.

از این رو، تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اغلب جوامع را تحت تأثیر خود قرار می دهد که بارزترین آنها، عامل اقتصادی و مالی است. نحوه ارائه خدمات عمومی و توزیع عادلانه ثروت توسط مقامات و دستیابی به حاکمیت قانون در جامعه تعادل ایجاد میکند و تساوی بین افراد جامعه در حقوق و تکالیف، بدون شک منجر به افزایش هماهنگی در جامعه خواهد شد.

بر این اساس، هر خط مشی عمومی مورد علاقه جامعه یک فرآیند فی البداهه نیست، بلکه یک فرآیند برنامه ریزی شده است که هدف آن ایجاد تغییرات مثبت مورد نظر است و به همین دلیل، سیاست مالی در زندگی کنونی یا آینده بر زندگی تعداد زیادی از افراد جامعه به طور مستقیم و غیر مستقیم تأثیر میگذارد. اهمیت این پژوهش، بر نقش سیاست های مالی منطبق با ارائه تضمین های لازم در دستیابی به حقوق بشر بر شهروند عراقی استوار است و از این طریق به بررسی شرایط حاکم بر سیاست مالی حکومت های متوالی عراق و تأثیر آن بر حمایت و تحکیم حقوق انسان در عراق مورد پرداخته می شود و مؤسسات مالی عراقی و بین المللی و تأثیر آن بر سیاست های گذاری های مالی در عراق بعد از سال ۲۰۰۳ مورد بررسی قرار می گیرد. هدف این پژوهش بررسی تدوین سیاست های عمومی مالی است و سعی بر آن شده است که حقوق بشر در دائره کاربرد عملی قرار داده شود و از آن طریق بی عدالتی و ظلم و فقر و بیکاری و رسیدگی به مسائل اقتصادی مورد نقد و بررسی قرار گیرند.

مشکل این پژوهش بر ماهیت سیاست های مالی دولت های متوالی عراقی بعد از سال ۲۰۰۰ میلادی استوار است و چگونگی تأثیر این سیاست ها در حمایت و ارتقای این حقوق و چگونگی اشراف بر حقیقت این سیاست ها است. در اینجا شایسته است که به سؤالات زیر پاسخ بدهیم:

۱. اهمیت سیاست های مالی در تضمین حقوق بشر در عراق پس از سال ۲۰۰۳ چیست؟

در این پژوهش سعی بر تحقق صحت مفاد این فرضیه داریم. علیرغم وجود سیستم قانونگذاری که به حمایت از مؤسسات مالی در عراق پس از سال ۲۰۰۳ می‌پردازد و نقش بسزایی را بر سیاست‌های مالی ایفاء می‌کند و تضمین‌های لازم برای دستیابی به حقوق بشر در عراق را فراهم می‌کند، واقعیت امر، آن است که نهادهای مالی نهادها و سیاست‌های دولت‌های متوالی در عراق در ادای این مأموریت مشارکت نداشته‌اند و موانعی را بر سیاست‌های اصلاحی افزایش سطح اقتصاد عراق ایجاد نموده‌اند که این موانع انعکاسی مثبت بر حقوق انسان در عراق ایجاد نمود و روش این پژوهش، بر اساس رویکرد تحلیل سیستماتیک مبتنی بر داده‌ها و برون‌دادها انجام شده است.

۱- سیاست‌های اقتصادی عراق در مقابل حقوق شهروندان عراقی:

سیاست اقتصادی که برای آینده برنامه ریزی شده باشد، در جهت شناخت فعالیت‌های اقتصادی قابل انجام گام بر میدارد و شفاف بودن مسیر، نشان دهنده انگیزه‌ای برای ورود به این فعالیت‌هاست. تا زمانی که سیاست مالی بیانگر اقدامات و قوانین و تدابیر کاربردی دولتی در جامعه باشد و با دیدگاه‌های ایدئولوژیک و اجتماعی و اقتصادی که جامعه بدان پایبند است، مرتبط باشد. این سیاست‌ها چهار چوب کلی جنبه‌های اجرایی در اجرای برنامه ریزی‌های اقتصادی را ترسیم می‌کند (سعید، ۲۰۰۱: ۱۹). اهمیت سیاست مالی در اقدامات دولت در کاربست قواعد و راهکارها و تدابیر عملی است که در راستای تصمیمات مقتضی و در جهت اهداف اقتصادی صورت می‌گیرد و با در نظر گرفتن شرایط موجود و شرایط عینی و برهه زمانی مشخص به عرصه حضور می‌رسد. در نتیجه مفهوم سیاست اقتصادی، در راستای اهداف و ابزار و زمان مشخص حرکت می‌کند. علاوه بر آن، عینیتی را از اصول و فلسفه فعالیت‌های اقتصادی دنبال می‌شود، تحقق جاه طلبی‌های اقتصادی را منعکس می‌کند (المعموری، ۲۰۰۹: ۱۰۹).

معنای اقتصاد بیکاری در وضعیت رکود اقتصادی خلاصه می‌شود که در نهایت فقر را به دنبال خواهد داشت و رکود اقتصادی با توجه به مفهوم توسعه انسانی (محروم از توانایی‌های انسانی) قطعاً منجر به تشدید بیکاری می‌شود. بنا براین رابطه تنگاتنگی بین بیکاری و فقر وجود دارد

و رابطه بین آنها، چالش بزرگی برای روند توسعه در عراق در یک اقتصاد رانتی یکجانبه متمرکز بر بهره برداری نفت ایجاد می‌کند و عدم تعادل ساختاری را تشکیل می‌دهد که این مشکلات را تشدید کرده است (غازی الزبیدی، ۲۰۱۶: ۸۷).

در تدوین و اجرای هر خط مشی عمومی، دولت‌ها بر مجموعه‌ای از قوانین و قانونگذاری‌هایی تکیه می‌کنند که مرجع اصلی آنها در تنظیم این سیاست‌ها و تدوین راه حل آنها شکل می‌گیرد. قانون اساسی ضامن و مرجع قوانینی است که سرمنشأ آن، از منشور بین‌المللی گرفته شده است و این منشور برخاسته از منشور ملل متحده و میثاق‌های حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. مبنای این منشور در بردارنده مواد قانونی در زمینه حقوق و آزادی‌های اصولی است که رسالت خود را در حفاظت سازمان یافته قانون از حقوق و آزادی‌های مشروع مورد تأیید قرار داده بودند.

اگر چه فقر، بیانگر وضعیت اقتصادی مرتبط با درآمد یا ثروت کم است که برآوردن نیازهای لازم برای بقا و رشد توانایی‌ها و پتانسیل‌های فرد دشوار می‌کند. بنا براین فقر، بیانگر عوارض اجتماعی است که منبعی از ذلت، محرومیت، سستی، فقدان کرامت و ذلت را برای انسان به ارمغان می‌آورد و منجر به ناتوانی شدید در بهره‌وری فردی و ناتوانی‌اش، در مشارکت در جنبش اقتصادی می‌شود. در نهایت منجر به هدر رفتن توان جامعه و بروز شدیدترین معضلات اجتماعی می‌شود.

مشکل بیکاری و فقر، پس از اعمال «تحریم‌های اقتصادی» از سوی سازمان ملل علیه مردم عراق پس از سال ۱۹۹۱ تشدید شد. تهاجم رژیم قبلی به کشور کویت، منجر به توقف بسیاری از پروژه‌های صنعتی و جلوگیری از واردات انواع فناوری‌ها، از جمله دستگاه‌های پزشکی تا بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی به عراق شد (الحلفی، ۲۰۰۸: ۷۱).

هیچ بخشی از اقتصاد عراقی از بمباران هواپیماهای عراقی مصون نماند و این مراکز در اثر محاصره، پروژه‌های صنعتی و خدماتی خود را تعطیل کردند. این اقدامی بود که توسط سازمان

بین الملل با فشار ایالات متحده و متحدان اروپایی و عربی صورت گرفت. علاوه بر سیاست های رژیم سابق که توان اقتصادی عراق را به هدر داده بودند، در شکست توسعه ساختار اقتصادی در عراق شکست خوردند. بنا براین فرصت های کاری کم شد و منجر به بیکاری جوانان توانمند شد و به تشدید بیکاری در عراق مساعدت نمود. این دوره را می توان دوره سیاه عراق نامید. با اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ و پایان یافتن ارگان های دولتی و ویرانی کارخانجات عراق وارد مرحله جدیدی شد که تحت سیطره اقتصاد ویران قرار گرفت و پدیده بیکاری به شکل فزاینده ای در جامعه عراقی طغیان نمود..

این امر، به معضلی تبدیل شد که دولت های متوالی نتوانستند راه حل مناسبی برای آن پیدا بکنند. این امر تأثیرات مخرب زیادی بر امنیت ملی عراق، به ویژه امنیت اجتماعی آن داشت. «این مفهوم در سال ۱۹۹۴ در ادبیات سازمان ملل مطرح شد و ایمنی انسان در برابر تهدیدات مزمن مانند گرسنگی، بیماری، آزار و شکنجه، فقر، و محافظت از اختلالات ناگهانی و دردناک را در الگوهای زندگی روزمره در بر می گرفت، این تهدیدات بر تمامی سطوح در آمد و توسعه در خانه یا کار یا در محیط جوامع محلی تأثیر گذاشت» (هلال، عیسی، ۲۰۱۰: ۶۵).

در عراق پس از سال ۲۰۰۳ تغییری در فلسفه مدیریت حکومت ایجاد شد و عراق تصمیمات سیاسی و اقتصادی متعددی اتخاذ کرد تا اقتصاد عراق را برای گشودن به دنیای خارج آماده کند و روش مدیریت را تغییر داد. اقتصاد از تمرکزگرایی همه جانبه به اقتصادی در خدمت عراقی ها باشد، در آمد. پس از توقف عملیات نظامی و به دست گرفتن زمام قدرت توسط فرماندار غیرنظامی آمریکایی (پل برمر)، مقامات اشغالگر عراق تصمیمات و اصلاحاتی در زمینه اقتصادی و اجتماعی اتخاذ کردند، از جمله

آ. صدور قانون تنظیم کار بانک مرکزی و استقلال در کار آن از دولت.

ب. تغییر واحد پول موجود در آن زمان با ارز جدید.

ج. تهیه بودجه هنگفت توسط وزرای عراقی با تکیه بر اولویت های وزارتخانه ها.

د. اصلاح نظام حقوق و دستمزد بخش دولتی با ایجاد مقیاس جدید حقوق و دستمزد (هلال، عیسی، ۲۰۱۰: ۷۶-۷۸).

و. صدور قانون سرمایه گذاری خارجی شماره (۳۹)

در تاریخ ۱۲/۱۱/۱۳۸۲ در سال ۲۰۰۴، دولت عراق قراردادهای متعددی را با سازمان های مالی بین المللی (صندوق بین المللی پول و بانک جهانی) منعقد نمود و تلاش نمود تا با توجه به بحران ساختاری که اقتصاد این کشور از آن رنج می برد، از طریق کاربست سیاست های اصلاحی اقتصادی در عراق، راه حلی برای مشکلات عراق بیابد. این اقتصاد در ازای پذیرش شرایط معروف خود در بند (ب) قانون اساسی که شامل اصول اساسی برای دستیابی به اصلاحات اقتصادی و اداری است، به سه محور تقسیم می شود:

۱- آزاد سازی تجارت با رفع کلیه محدودیت های گمرکی و اداری که از انتقال کالا و خدمات سرمایه به عراق ممانعت می کند.

۲. خصوصی سازی بخش دولتی: تبدیل موسسات اقتصادی دولتی به موسسات خصوصی از جمله بخش نفت و گشودن آن به روی عملیات سرمایه گذاری خارجی و شرکت های انحصاری خارجی.

۳. کاهش هزینه های عمومی که از طریق لغو حمایت های دولتی از قیمت سوخت و سوخت های ملی انجام می شد و لغو سهمیه بندی غذا و دارو، سازمان دهی دستگاه های اجرایی کشور، اعمال فشار بر حقوق بازنشستگان و سایر هزینه ها را نیز در بر می گرفت. با توجه به مطالب فوق، خاطرنشان می شود که عراق در حال اتخاذ برنامه های اصلاحی است و تلاش برای دستیابی به توسعه مطلوب با ترسیم سیاست اقتصادی جدید را داشته است و از سیاست های تمامیت خواه دوری می کند و در پایان دادن به انحصار بخش عمومی بر اقتصاد ملی مصر است.

این امر راه را برای اثبات توانایی بخش خصوصی گشود. احتمالاً عواقب سختی را در برخی موارد برای گروه های فقیر مردم عراق در بر داشت. از جمله این موارد، افزایش قیمت فرآورده

های نفتی و تلاش برای کاهش جیره اقلام کارتی است که منجر به افزایش نابرابری بین درآمدها و پیدایش طبقات استبدادی به زیان سایر طبقات شده است، همانطور که تجارب کشورهای جهان اثبات نمود که مسیر تحول به سمت اقتصاد بازار را بدون کنترل های موثر طی کرده اند. البته این امر منجر به گسترش مشکلات بیکاری و فقر در میان اقشار بزرگ مردم شده است (سلام، ۲۰۱۲: ۱۳۹).

دولت عراق مجبور به توافق با نهادهای مالی بین‌المللی شد تا بدهی‌های عراق را از بین ببرد، زیرا این بدهی‌ها بدهی تجاری نبودند، بلکه بدهی‌های ناشی از جنگ‌های قبلی است که عراق را در سه دهه گذشته خسته کرده بود و این قرارداد با برنامه های خصوصی سازی، آزادی بازار، و جریان قیمت ها وارد عراق شد.

پدیده ضعف ارگان های سیاسی عراقی پس از تغییر سبب گسترش خشونت در کشور شد و ابهام و اغماض در شرایط اداری و مالی شد و در این ارگان ها فساد ایجاد نمود و ناتوانی فکری، کم آگاهی و عسرت در زندگی داخلی مردم رواج داد و اختلافات زیادی را ایجاد نمود. علاوه بر این، شرایط وخامت اوضاع اقتصادی و افزایش حالات فقر و بیکاری موجب بدبینی مردم نسبت به نظام حکومت شد و نارضایتی مردم را از رژیم عراق افزایش داد.

بنابراین ارائه سطح بالایی از نوگرایی و مدرنیته و توسعه اقتصادی، شرط ضروری موفقیت فرایند تحول دموکراسی شد و در ایجاد فضای باز سیاسی و اقتصادی نقش داشت؛ چرا که ضعف سطوح معیشتی یک شهروند، در کاهش تجربه دموکراتیک و مشارکت سیاسی در کارکرد فرد درگیر به مسائل بهبود وضعیت زندگی خود مؤثر می‌باشد و جامعه عراقی با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی زیادی روبرو نمود؛ چرا که اصلاحات اقتصادی با اختلال در اقتصاد عراق مواجه شد و بخش‌های وسیعی از گروه‌های اجتماعی پائین تر را تحت تأثیر خود قرار داد و این خود، دال بر تنش و اضطراب شدید و کاهش سطح معیشت افراد گشت و غیاب نقش حکومت را در محافظت از گروه‌های نیازمند به دنبال داشت؛ زیرا سیاست های دولت هنوز موفق به همگام شدن با آثار فقر نشده بودند (ناهی الحمدانی، ۲۰۱۸: ۷۸).

در ماده چهارده این قانون آمده است: « هر فردی حق برخورداری از امنیت، آموزش، مراقبت های بهداشتی و تامین اجتماعی را دارد. دولت عراق و واحدهای دولتی آن اعم از مناطق، استان ها، شهرداری ها و ادارات محلی، در محدوده منابع خود، با در نظر گرفتن سایر نیازهای حیاتی، باید برای ایجاد رفاه و فرصت های شغلی برای مردم تلاش کنند نقش اقتصادی دولت عراق در دوره انتقالی و بر اساس ماده ۲۵-الف (دولت انتقالی عراق) در تعیین سیاست های اقتصادی و تجاری و سیاست های استقراضی حاکمیتی نقش دارد، بند (ه) ماده (۲۵) . نقش دولت رانتهی عراق و ماموریت اصلی آن، توزیع این رانت به شیوه ای عادلانه از طریق بودجه عمومی فدرال است.

پس از سال ۱۳۸۲، وزارت برنامه ریزی به صورت فصلی و سالانه بررسی های اشتغال و بیکاری را منتشر کرد، علاوه بر آن، نظرسنجی ها و گزارش هایی را که به معضل بیکاری می پردازد، مانند بررسی وضعیت معیشتی، نقشه محرومیت، و راهبرد فقرزدایی و تعاریف مورد استفاده در آن نظرسنجی ها متفاوت بود که بر تخمین میزان بیکاری در کشور تأثیر گذاشت، اما گزارش سازمان بین المللی کار حاکی از آن بود که «افراد بیکاری وجود دارند که بنا بر این گزارش، تمایل به انجام کار را دارند و سطح دستمزد غالب را پذیرا هستند؛ اما کاری برایشان وجود ندارد» (لزبیدی، ۲۰۱۶: ۱۱۰).

نرخ فقر در عراق در سال ۲۰۲۲ به ۲۵ درصد از کل جمعیت رسید، زیرا این درصد نسبت به سال های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ افزایش یافت که این درصد از ۲۰ درصد فراتر نرفته است از جمله پیامدهای همه گیری کرونا در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ توقف فعالیت های اقتصادی و همچنین بحران اقتصادی بود که منجر به کاهش قیمت نفت و توقف پروژه ها شد (الزبیدی، حیدر نعمة، ۲۰۰۹: ۱۱۰).

مطالب مربوط به این امر به ویژه در مورد کار و اشتغال را می توان به موارد زیر محدود کرد:

۱. بنا بر ماده یک ۲۲ قانون اساسی اشتغال، حق همه مردم عراق است و ضمانت زندگی مناسبی را برای همه است.
 ۲. بنا بر ماده ۲۲ قانون، روابط بین کارگران و کارفرمایان را از نظر اقتصادی با در نظر گرفتن قواعد عدالت اجتماعی تنظیم می کند.
 ۳. دولت از حق تأسیس اتحادیه ها شغلی یا پیوستن حمایت میکند به موجب ماده ۲۲ آنرا سازماندهی می کند.
 ۴. دولت، آزادی جابجایی نیروی کار، کالا و سرمایه عراق را بین مناطق و استان ها تضمین می کند و توسط قانون ماده ۲۴ آنرا تنظیم می کند.^۱
 ۵. بنا بر قانون ۳۰ دولت، امنیت اجتماعی و بهداشتی را برای عراقی ها در صورت پیری، بیماری، ناتوانی در کار، بی خانمانی، یتیم خانه یا بیکاری بر عهده دارد و از آنان در مقابل جهل، ترس و فقر حمایت میکند و برای آن مسکن فراهم می کند. برنامه های آموزشی ویژه برای توانبخشی و مراقبت از آنها توسط قانون تنظیم می شود (توفیق عباس، ۲۰۱۱: ۴۱).
- از دیگر حقوق اجتماعی مقرر در قانون اساسی ۲۰۰۵ مکتوب شده است، پوشش قانون اساسی را برای تصویب قوانین جهت کاهش فقر و بیماری و تضمین یک زندگی آبرومندانه است.
- ۱- به موجب قانون ۲۸ مکتوب کسانی که درآمد مالیاتی پائینی دارند، به موجب قانون برایشان مالیات تعیین می شود، به طوریکه زندگی معیشتی آنان تحت تأثیر قرار نگیرد
 ۲. خانواده، اساس جامعه است و دولت از موجودیت و ارزش های دینی، اخلاقی و ملی آن حمایت می کند (ماده ۲۹ - اول - الف).

۱- ماده قانون ۲۲-۲۴-۳۰ جمهوری عراق ۲۰۰۵.

۳. دولت حمایت از مادران و اطفال و سالمندان را تضمین می کند، از کودکان و جوانان مراقبت می کند و شرایط مناسب را برای شکوفایی استعدادها و توانایی های آنها فراهم می کند (ماده ۲۹ - اول - ب).

۴- فرزندان بر پدر و مادر خود در تربیت، مراقبت و تربیت حق دارند و والدین بر فرزندان خود به ویژه در موارد نیاز، ناتوانی و کهولت سن حق احترام و مراقبت دارند (ماده ۲۹ - دوم).

۵. بنا بر ماده سوم قانون ۲۲ اساسی، بهره کشی اقتصادی از کودکان در تمام اشکال آن ممنوع است و دولت برای حمایت از آنها اقدامات لازم اتخاذ می کند.

۶. دولت برای فرد و خانواده، به ویژه کودک و زن، امنیت اجتماعی و بهداشتی و الزامات اولیه زندگی آزاد و آبرومندانه را تضمین می کند و درآمد کافی و مسکن مناسب را برای آنها تضمین می کند (ماده ۳۰ - اول).

۷- به موجب قانون ۳۱، هر عراقی حق برخورداری از مراقبت های بهداشتی را دارد و وسایل پیشگیری و درمان با ایجاد انواع بیمارستانها و مؤسسات بهداشتی توسط دولت تأمین می شود.

۸. به موجب قانون ۳۲ دولت از معلولان و افراد دارای نیازهای ویژه مراقبت می کند، توانبخشی آنها را به منظور ادغام آنها در جامعه تضمین می کند (سلام، ۲۰۱۲: ۴۵).

با توجه به ابتکارات دولت نوپای عراق در خصوص سیاست های عمومی رسمی، وزارتخانه های خدماتی مانند بهداشت، آموزش، کار و امور اجتماعی ایجاد شدند که ارائه خدمات به تمامی هموطنان بدون تبعیض در الویت کارشان بود. (مهار رحیم، ۲۰۱۲: ۱۳۹).

و در نتیجه جامعه عراق در معرض سلسله جنگ ها، درگیری های نظامی و محاصره همه جانبه اقتصادی در سال ۱۹۹۱ قرار گرفت و تحولات سیاسی پس از سال ۲۰۰۳ موجب بدتر شدن وضعیت امنیتی عراق گشت که تضعیف چرخه اقتصادی و کاهش خدمات توسعه اجتماعی در

بر داشت و در پروژه‌های انسانی، دامنه بیکاری گسترده شد و پس از انحلال سرویس‌های امنیتی و ارتش عراق و به دلیل اقدامات تروریستی، بیوه، زنان و معلولان، آواره‌ها و زنان مطلقه به طور گسترده افزایش پیدا کردند (ناهد، ۲۰۱۱: ۱۸)

ملاحظه می‌کنیم که ویژگی‌های سیاست‌های عمومی پس از سال ۲۰۰۳ را می‌توان با این واقعیت تبیین نمود که عراق وارد دوره جدیدی از اقتصاد بازار آزاد شده است که در آن نقشی در اختیار سرمایه خصوصی قرار می‌گیرد که در گذشته در دسترس نبود. پس از آن که دولت از طریق بخش عمومی بر تمام جنبه‌های زندگی به خصوص اقتصاد تسلط یافت و ویژگی‌های اقتصاد بازار تنها در دو زمینه مهم با شهروندان آشکار گشت (ناهد، ۲۰۱۱: ۲۲-۲۳).

۱. عمل در جهت برداشتن و لغو تدریجی کارت سهمیه.

۲. لغو یارانه سوخت به نفع تامین مالی شبکه حمایت اجتماعی.

به طور کلی، سیاست عمومی اجتماعی در عراق با این مشکل مواجه بود که بایستی یکی از دو هدف، عدالت اجتماعی یا بازار را قربانی بشوند؛ یعنی یا با اتخاذ سیاست رفاهی برای دستیابی به الزامات اجتماعی، الزامات رشد اقتصادی به تعویق می‌افتاد و در صورت قربانی کردن جنبه اجتماعی، فضایی برای اقتصاد بازار ایجاد میشد تا حصول به اصلاحات اقتصادی که در خدمت نیازهای رفاهی بلندمدت قرار گیرد.

مهم‌ترین مبانی مدیریت مالی از جنبه قانونی به شرح زیر است:

۱- تفکیک بین مدیریت مالی و جنبه سیاسی.

۲- دستگاه‌های دولتی یا ارگان‌هایی که وظیفه تنظیم و مدیریت خط مشی مالی را بر عهده دارند.

۳- دستگاه‌های اداری که مأموریت اجرای سیاست مالی و ادراة آن را بر عهده دارند.

۴- مراجع اجرایی که بازده مالی را مدیریت می‌کنند در مقابل نهادهای نظارتی و مقننه پاسخگو هستند.

۵- توجه به تعیین استانداردهای پاسخگویی برای دستگاه‌های اجرایی مسئول تنظیم و اجرای سیاست‌های مالی دولت.

۶- ایجاد چارچوب قانونی که در بر دارنده به مدیریت درآمدهای مالی و سازوکار هزینه است. شکی نیست که تغییرات اقتصادی، اهمیت مدیریت مالی را افزایش داده است، زیرا تعداد و حجم مؤسسات در بخش خصوصی و در بخش دولتی، و برنامه ریزی‌های توسعه طلبانه در بخش‌های متعدد صنعتی، کشاورزی، تجاری و نفتی افزایش داده است. مشکلاتی از قبیل مشکلات ارگان‌های و مؤسسات منابع مالی موجود برای استفاده سالم اقتصادی با آن روبرو هستند را مزید بر علت نموده است (ابراهیم، ۲۰۱۱: ۷۰).

همانگونه که نیاز به منابع مالی با توجه به سیر رشد اقتصاد ملی رشد پیدا کرده است. قانون مؤثر مدیریت مالی عراق (قانون شماره ۶ ۲۰۱۹) اختیارات گسترده‌ای را به مقام اجرایی در راستای سیاست‌های دولت و برنامه ریزی‌های آن اعطا نمود که این قوانین، بیانگر سیاست‌ها و برنامه‌ها و خط‌مشی‌های دولت است که این صلاحیت با بودجه‌های کلان دولتی و اجرای آن با توجه به نیاز وزارتخانه‌ها و مؤسسات بخش دولتی امکان پذیر خواهد شد؛ همانگونه درآمدهای نفتی، منبع اصلی درآمد در عراق است (سرمد، ۲۰۱۱: ۱۰۳).

برخی از اقتصاد دانان سیاست مالی را به دو بخش تقسیم می‌کنند، بخش اول سیاست مالی تثبیت کننده خودکار و بخش دوم سیاست مالی کنترل ارزشیابی شده است. سیاست مالی تثبیت خودکار، تکنیک‌های خودکاری است که در اقتصاد به تنهایی کار می‌کند. بازده مالی برنامه‌های مخارج دولت را در بودجه عمومی به صورت تعدیل خودکار درآمد بین گروه‌های بالا و پایین متعادل می‌کند. در نتیجه منجر به تعدیل خودکار مصرف و تولید ناخالص داخلی می‌شود.

اما سیاست مالی ارزشیابی شده به مدیریت مداخله جویانه‌ای اطلاق می‌شود که سطوح مخارج دولتی و پرداخت‌های انتقالی و مالیاتی را مدیریت می‌کند و اهداف کلی اقتصاد ملی مانند اشتغال فراگیر، ثبات قیمت‌ها و رشد اقتصادی را تقویت می‌کند (نیری و ودز، ۲۰۱۰: ۵۰).

در واقع، سیاست‌های اصلاحی اصلی که برای کاهش فقر و بیکاری اتخاذ شد را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف- اقدامات کمی با هدف ایجاد ثبات در چارچوب کلان اقتصادی کشور.

ب- اقدامات ساختاری که با برنامه‌های دیگر متفاوت بود اما معمولاً شامل سیاست‌های مشخصی می‌شد که بخش‌های اقتصادی و اجتماعی و مسائل حسن مدیریت را در بر می‌گیرد.

۲- راهکارهای اقتصادی دولت در حمایت از بخش اقتصادی

یکی از برجسته‌ترین سیاست‌های مالی برای رسیدگی به بیکاری و فقر در عراق، برنامه‌های حمایت اجتماعی است که این مهم، از طریق شبکه حمایتگر اجتماعی برای ضعیف‌ترین اقشار جامعه و تحت پوشش وزارت کار و امور اجتماعی صورت می‌گرفت. سوبسید دولتی به آن دسته از برنامه‌هایی اطلاق می‌شود که به افراد و خانواده‌ها به‌ویژه فقرا و افراد آسیب‌پذیر در برابر فقر کمک می‌کنند تا بتوانند بر اثرات نامطلوب بلافاصله و شرایط اضطراری فائق آیند. چنانچه می‌توان گفت که «شبکه‌های سوبسید اجتماعی، یکی از سازوکارهای امنیتی موقت اجتماعی هستند که برای کاهش فشارها (به نمایندگی از فقر، بیکاری، استاندارد پایین زندگی، بیماری‌ها و سالمندی) به کار گرفته می‌شود تا به گروه‌های اجتماعی که با کاهش میانگین رشد یا تطبیق برنامه‌های اصلاح اقتصادی متضرر می‌شوند، مساعدت برسانند؛ چرا که این مجموعه با همزیستی ساختاری و برنامه‌های خصوصی سازی در معرض خطر قرار می‌گیرند و یا در نتیجه جنگ‌ها و محاصره و تحریم‌ها یا قحطی به طبقات پائین اجتماع سقوط می‌کنند» (سالم، ۲۰۱۰: ۵۸)

۳- راهکارهای اقتصادی دولت در مبارزه با بیکاری

بارزترین عملکرد اقتصاد، اعطای وام به بیکاران و مساعدت به آنان در ایجاد پروژه‌های کوچک بود؛ چرا که این مساعدت در ایجاد فعالیت اقتصادی و ایجاد درآمدهای جدید با

کاهش تعداد بیکاران مؤثر بود و باعث توزیع عادلانه‌تر ثروت بین اقشار جامعه و افزایش قدرت به اقشار کم درآمد جامعه شد. هنگام ارزیابی برنامه‌های سازماندهی شده سوئیس اجتماعی در عراق، مشکلات عدیده‌ای در این زمینه پدید آمد که می‌توان آنها را به شرح زیر خلاصه کرد (منعم، خضر، ۲۰۱۳: ۱۲۵).

اول: نکات مثبت:

۱. عمومیت اجزای شبکه حفاظت اجتماعی، زیرا اکثریت شهروندان عراقی از طریق پرداخت یارانه به قیمت کالاها و خدمات اساسی (غذا، آموزش و بهداشت) از آن بهره‌مند می‌شوند.

۲. حریم خصوصی برای سایر اجزای شبکه، به افرادی اعطا می‌شود که دارای شرایط مقرر در قانون باشند، زیرا اندازه پوشش شبکه طبق برآوردها (۷ میلیون نفر برآورد شده است که بار را از روی دوش خانواده‌های فقیر بر می‌دارد) (مسلم، ۲۰۱۴: ۱۱۳).

۱-۳- موانع پیشرفت اقتصادی

می‌توان موانع پیشرفت اقتصادی در عراق را به شرح ذیل تقسیم بندی نمود:

۱- مبالغ مالی تخصیصی به عنوان مبلغ یارانه مندرج در قانون شماره (۱۱) سال ۱۳۹۳ به مبلغ (۱۵۰) هزار دینار عراقی برای هر نفر بوده است که این مبلغ بدون احتساب تغییرات ایجاد شده در سطوح تورم می‌باشد. این میزان پاسخگوی نیازهای اساسی شهروندان عراقی نبود و این امر مستلزم تجدید نظر در برآورد مبلغ مذکور با بهره‌مندی از مطالعات علمی در این زمینه و دور شدن از قضاوت‌های فردی است.

۲- گسترش فساد مالی و اداری در درون نهادهای رفاه اجتماعی که به معنای فساد اقتصادی است.

۳-مزایا و افزایش هزینه‌های برنامه‌های شبکه است، چرا که تاخیر در توزیع ماهیانه درآمدها بدون دلیل منطقی خانواده‌های ذینفع را از رفع نیازهای شخصی شان دور می‌کند. جدول زمانی منظم برای توزیع در آمد، علاوه بر ضعف اقدامات و نادرست رویه‌ها و معرفی خویشاوندی و رشوه خواری، فرصت طلبان را وا می‌دارد که از فرصت سوء استفاده بکنند برای فقراء و افراد محتاج به درآمدها مشکل ایجاد بکنند (هادی، الخفاجی، ۲۰۰۸، ۱۰۶).

وزارت کار و امور اجتماعی تأیید کرد که قادر به بازبایی مبلغ (۱۲۶) میلیارد دینار را در طول سال (۱۳۹۴) از کارکنان دولت و بازنشستگان متخلف شبکه حمایت اجتماعی بوده است. زیرا این وزارتخانه تعداد کارمندان تقلبی را که حقوق رفاه اجتماعی دریافت میکنند، حدود (۲۳۰۰۰) هزار تخمین زده است (هادی، الخفاجی، ۲۰۱۳: ۲۳).

۴- هدف برنامه شبکه اجتماعی، کاهش فقر است نه برطرف نمودن آن، چرا که هدف آن رسیدگی به آثار مشکل است نه علل آن، زیرا همه شهروندان بدون توجه به فقر خود از اجزای شبکه بهره می‌برند.

۵- تشریفات اداری و بروکراسی: اقدامات ارائه شده تراکش‌ها برای دریافت حقوق، اغلب سبب خود داری برخی از افراد می‌شود، با توجه به اینکه مبالغ تخصیص داده شده، علاوه بر هزینه این مراحل، بی ارزش بوده و ارزش زحمت و بررسی را ندارد.

۶- عدم همکاری ملموس ادارات دولتی در افشای معاملات تقلبی حقوق مجال گسترده ای از فساد اداری را فراهم نموده است و این امر در اثر فقدان کمیته‌های پیگیری برای نظارت و حسابرسی برای پیگیری کارگران ایجاد شده است.

۷- قانون حمایتگر اجتماعی، ملزم به ارائه ضمانت‌های نقدی بوده و فاقد ضمانت‌های مهم دیگری از جمله بیمه درمانی و مسکن و وسایل تجملی برای افراد دارای نیازهای خاص مانند معلولان، سالمندان و غیره است.

۸- تعیین سن (۱۸) سال به بالا برای گنجاندن معلولان در حقوق شبکه، معلولین زیر (۱۸) سال را از دریافت حقوق شبکه محروم کرده است.

۹- مسئولیت بخشی و معرفی نام مشمولان حقوق حمایت اجتماعی به شهردار منطقه یا شوراهای محلی که درایت کافی در احقاق حق مستحق به غیر مستحق را ندارند. علاوه بر تشریفات اجتماعی و روابط خانوادگی، ضوابط و قوانین که بر ماهیت کار سازمان دلالت بکند، وجود ندارد (هادی، الخفاجی، ۲۰۰۹: ۱۲۰). بخش اقتصادی جامعه عراق در اثر رخ دادن سلسله جنگ‌ها، درگیری‌های نظامی ضعیف گشت و تحریم‌های اقتصادی همه جانبه در سال ۱۹۹۱ پس از حمله به کویت و تحولات سیاسی پس از سال ۲۰۰۳ نیز موجبات تضعیف این بخش را فراهم آورد. آشفتگی اوضاع امنیتی، چرخه خدمات اجتماعی پروژه های انسانی را کاهش داد. بیکاری به طور گسترده بعد از اقدامات تروریستی شیوع پیدا نمود. تعداد بیوه زن، معلولان، اوارگان و مطلقه های فزونی یافت (سالم، ۲۰۱۳: ۵۸).

این سیاست موفقیت آمیز برای تحقق عدالت در توزیع مواد غذایی اساسی بود که در دوران محاصره اقتصادی عراق تحقق یافت. تحریم های اقتصادی که بر مجلس شورای امنیت وارد آمد، هدف رژیم را در مطیع ساختن از منشور بین المللی دنبال می نمود و هدف نظام، کاهش وضعیت نارضایتی اجتماعی و تحقق مساوات اجتماعی در میان اقشار جامعه بود (سالم، ۲۰۱۳: ۱۱۱).

عراق با فرو رفتن در سلسله ای از جنگ های منطقه ای که از جنگ ایران و عراق شروع شد و سپس جنگ اول خلیج فارس و محاصره اقتصادی که از سوی جامعه بین الملل بر آن تحمیل شده بود، حدود ۱۲۶۵ میلیارد دلار خسارت اقتصادی تخمین زده شد. علاوه بر آن حدود ۱۵۰ میلیارد دینار درآمدهای نفتی از بین رفت.

این امر با بدهی ها و غرامت هایی همراه بود که تمامی فعالیت های اقتصادی را تحت تأثیر خود قرار داد. زیرا عراق شاهد شیوع بیکاری و فقر به شکل بی سابقه ای بود که پروژه های صنعتی کوچک و متوسط متوقف شدند. نزدیک به ۷۲ درصد از ناخالصی پروژه های صنعتی کوچک و متوسط از بین رفتند.

پس از سال ۲۰۰۳، این مرحله متغیرهای جدیدی را تولید کرد که بر نقش کارت جیره بندی یا رویکردها و درجات متناقض تأثیر گذاشت. اقتصاد عراق را از اقتصاد جهانی به اقتصاد بازاری متحول نمود که قدرت پاسخگویی به خواسته های ملت را نداشت و همزمان با این موارد، ویرانی که به زیر بنا و آشفتگی امنیتی و سیاسی وارد آمد، هزاران بیکار را بر جای گذاشت. خانوارها، خانه های خود را از دست دادند و به زور آواره شدند و باعث ایجاد دسته های جدید فقر و فقرا شد و اهمیت نقش جیره بندی را تقویت نمود و از سوی دیگر بیانگر تعهدات بین المللی عراق در قبال بدهی های خارجی و شرایط صندوق بین المللی پول بود (الحلفی، ۲۰۰۸: ۷۱).

خاطرنشان می شود که دوره مددکاری اجتماعی در عراق عمدتاً بر فعالیت های داوطلبانه با ماهیت مذهبی متکی بود، زیرا انجمن های غیردولتی برای ارائه خدمات به نیازمندان، بیوه ها، یتیمان و معلولان پدید آمدند و سیاست اجتماعی غیررسمی و خودانگیخته در عراق به یک دلیل ساده مقدم بر سیاست اجتماعی رسمی دولت عراق بوده است. علت این امر به فقدان نقش خود دولت و تبدیل آن به یک مرجع وحشیانه صرف باز می گشت که با هدف کسب منافع اقتصادی از طریق مالیات های ناعادلانه علیه شهروندان صورت پذیرفته است. در صورت عدم حضور دولت، شهروندان به یک مرجع فرعی مانند قبیله، محله، فرقه و مذهب متوسل می شوند. چارچوب این مرجع فرعی را مجموعه ای از گرایش های ناهمگون مذهبی، طایفه ای و سیاسی تشکیل می دهد.

سیاست های اجتماعی در عراق نیازمند اصول پایبند و علائم واضحی است که چهار چوب و اصول آن، مخلوطی از دستور العمل های دینی و قبیله ای و سیاسی نامتقارن باشد. که به دلایل بسیاری از جمله عدم پژوهش علمی و تکیه بر تجارب شخصی مسئولان و علائق آنان و نیز نفوذ نیروهای خارجی روند پیگیری را دنبال نموده است (الزبیدی، ۲۰۱۶: ۷۸).

دولت نوپای عراق در مورد سیاست های اجتماعی عمومی رسمی اقداماتی از قبیل ایجاد وزارتخانه های خدماتی مانند بهداشت، آموزش، کار و امور اجتماعی انجام داد که اهمیت آن در ارائه خدمات به هموطنان تبعیض بین آنان بود (حمزه، ۲۰۱۳: ۱۸). بیکاری، دلیلی برای سستی نظام امنیتی است؛ زیرا فشارهای ناشی از شرایط سخت معیشتی بیکاران موجب افزایش فقر و بیکاری میشود و امکان ارتکاب جنایت و بزهکاری افراد را بالا می برد و خود دلیلی بر تجاوز به ارزش ها، کنترل ها و قوانین جامعه می شود (العصام، ۲۰۱۵: ۴۸).

با توجه به مطالب فوق می توان گفت که مشکل فقر و بیکاری در عراق یکی از معضلات جدی است که موجودیت جامعه عراق را تهدید می کند و ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن را به مخاطره می اندازد و مشکلی پیچیده و عمیقی است که عمق تاریخی دارد و ویژگی ها و دلایل و آثار با یکدیگر همپوشانی دارند.

۴-۲-وام های بلاعوض برای پروژه های کوچک

مفهوم وام های بلاعوض برای پروژه های کوچک، حداقل مبالغ نقدی و خدمات مالی است که فقرا برای تامین مالی پروژه های خود از دولت دریافت میکنند و این پروژه ها در زمره غیررسمی اقتصاد قرار دارند. هدف این سیاست های مالی، حمایت بخش های اجتماعی با ارائه خدمات مالی به اقشار ضعیف اجتماع و

اشخاص کم در آمد میباشد. از جمله موارد حمایتی دولت اعتبار، پس انداز و نقل و انتقالات مالی و بیمه است.

شکی نیست که وام‌های کوچک، برای گروه‌های کم درآمد سودمندتر است، زیرا وام‌های کوچک، وظایف اقتصادی و اجتماعی مهمی را انجام می‌دهند، زیرا وام‌گیری فرد را قادر می‌سازد تا دارایی‌های جدید داشته باشد و فرصت‌های کسب درآمد برای افراد افزایش می‌یابد. شانس آنها برای دریافت وام افزایش می‌یابد (خلیل اسماعیل، ۲۰۱۱: ۷).

پروژه‌های کوتاه مدت، از هر نوع در هر کشور اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه به دلیل تأثیراتی که بر وضعیت کلی اقتصادی و اجتماعی میگذارد، از اهمیت بالایی برخوردار است و این مشکلات میتواند به مشکلات بفرنجی که کشور با آن روبروست، پایان دهد (سرمد، ۲۰۱۱: ۱۰۳).

اهمیت پروژه‌های قصیر المده در رویکرد و عملکرد کشورهای بزرگی و کوچک نمایانگر میشود همچون ایالت متحده آمریکا در سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸ با تمرکز بر ارائه و حمایت از پروژه‌های کوچک، بیش از (۱۵) میلیون فرصت شغلی فراهم نمود، زیرا شرکت‌های کوچک در حال حاضر بیش از ۱۰ درصد از نیروی کار آمریکا و در اتحادیه اروپا را جذب می‌کنند. شرکت‌های کوچک تقریباً بیش از ۷۵ درصد از بازار کار را تشکیل می‌دهند و ژاپن، چین و ایتالیا در طی مدت زمان طولانی به پروژه‌های کوتاه مدت توجه خود را معطوف نمودند (رائد، عبیس، ۲۰۱۴: ۱۴۵).

۱-۴ - خصوصیات سیاست مالی پروژه‌های کوتاه مدت

وام‌های کوتاه مدت به عنوان یک پیشرفت در سیاست مالی اقتصاد عراقی به شمار می‌روند (مسلم، ۲۰۱۲: ۱۳۹).

۱. استقلال مدیریت، مدیریت صاحب پروژه را بر عهده میگیرد و شخصاً بر جنبه‌های مالی و بازار یابی نظارت میکند.

۲. سهولت تاسیس، این پروژه ها در زمان تاسیس نیاز به سرمایه زیادی ندارند و اغلب متکی به پس انداز مالی خانواده ها هستند.

۳. کاهش هزینه های تاسیس. این پروژه ها بوسیله قابلیت ها و مصالح محلی دنبال می شوند

۴. انعطاف و توانایی این پروژه ها در سازگاری با موقعیت ها و شرایط محیطی موجود و سهولت تغییر خط تولید یا نوع فروش آن است.

۵. کارگران آن به دلیل سادگی تکنولوژی به کار گرفته شده در این پروژه ها، نیازی به آموزش بالا برای کار در این پروژه ها ندارند (مناهل، سهیله، ۲۰۱۳: ۲۱۳).
بنگاه های کوچک در حمایت از اقتصاد عراق مزایای متعددی دارند که عبارتند از:
۱. کمبود تولید

کمبود تولید بسیاری از بنگاه ها را برطرف می کند و نقش های فرعی بسیاری ایفا می کند، زیرا می تواند مواد خام یا برخی کالاهای نهایی را که بازار محلی به آن نیاز دارد تولید کند.

۲. بنگاه های کوچک با توزیع تولید این بنگاه ها یا تهیه مواد مورد نیاز آنها برای تولید، نقش میانجی بین خود بنگاه های بزرگ، متوسط یا کوچک را ایفا می کنند.

۳. تامین ارز خارجی از طریق جبران واردات و مساعدت به صادرات.

۴. نشان دهنده منبع رقابت برای پروژه های بزرگ است و توانایی آنها را در کنترل قیمت ها محدود می کند.

۵. در دستیابی به استراتژی توسعه جمعیت مشارکت میکند. وجود آنها در تحقق همبستگی در رشد اقلیمی مؤثر است. از فشار بر مراکز شهری میکاهد.

در سال ۲۰۰۷، به دلیل اهمیت این پروژه ها در مبارزه با فقر و به جلو راندن چرخ رشد اقتصادی، دولت عراق تصمیم به ایجاد یک برنامه مالی خرد گرفت، زیرا این برنامه بازار گسترده را پوشش میدادند و تنوع زیادی از خدمات ارائه شده را در پایتخت بغداد به همه استان ها به جز اقلیم کردستان ارائه میدادند(ناهنده، ۲۰۱۲: ۱۸).

در سال ۲۰۱۲ به موجب صدور قانون شماره ۷۷ ماده سوم اداره کار و حرفه آموزی وزارت کار و امور اجتماعی به دلیل حجم زیاد به دو بخش استخدام و وام و آموزش حرفه ای تقسیم شد. این ارگان سعی در تثبیت و به روز رسانی فرصت های شغلی برای بیکاران و فراهم کردن کار نمود. و با ایجاد فرصت های شغلی، وام های مشخصی برای پروژه های جزئی مشخص نمود^۲

۳. مقوله های تحت پوشش استراتژی فقرزدایی:

این پروژه به طور تخصصی برای تامین مالی پروژه های کوچک برای افراد زیر خط فقر طراحی شده است و شامل گروه های زیادی میشود، از جمله بیکاران، متکدیان از مردم استان، زنان بیوه، مطلقه ها، معلولان توانمند، خانواده های ناپایدار در مکان های دفن زباله میشود و همچنین شامل افراد آواره بازگشته به مناطق مسکونی خود میشود که در برنامه وام برای سال های (۲۰۰۹-۲۰۰۷)، قادر به دریافت وام در گروه سنی (۵۵-۱۸) نبودند و ارزش وام بین (۱۰-۵) میلیون دینار بسته به ماهیت پروژه متغیر است.

۴. مقوله های مشمول صندوق حمایت از پروژه های کم درآمد .

^۲ این قانون در سال ۱۳۷۹ صادر شد و مربوط به خدمات صنعتی در بخش خصوصی به منظور تنظیم و احیای این بخش است تا بدان وسیله با افزایش کارایی کارگران و بررسی حقوق و دستمزد، خدمات بهتری به شهروندان ارائه بشود و این قانون، کلیه پروژه های بخش خصوصی که خدمات تعمیر و نگهداری دستگاه ها، تجهیزات، ماشین آلات، وسایل نقلیه و غیره را در بر میگیرد.

صندوق حمایت از پروژه های کم در آمد، به موجب قانون شماره (۱۰) با سرمایه (۱۵۰) میلیون دلار تأسیس شد. این پروژه، گروه سنی (۱۸ تا ۴۵) سال در بر میگرفت و مبلغ وام بستگی به ماهیت پروژه داشت؛ مشروط بر اینکه از (۲۰،۰۰۰،۰۰۰) میلیون دینار تجاوز نکند و مشمول گروهک هایی که تحت پوشش صندوق کمیته امداد جامعه هستند، میشود و مهاجران مشمول قانون خدمات صنعتی شماره (۳۰) سال ۲۰۰۰ را نیز در بر می گیرد^۲

نتیجه:

همانگونه که سیاست مالی، ابزاری اصلی در تقویت سازوکارهای ملی و پرداختن به مشکلات و چالش های سیاستگذاری عمومی و اقتصادی به شمار می رود، به عنوان ابزاری فعال نیز در بهره برداری از آزادی ها و حقوق شهروندی نیز محسوب میشود. در اینجا نقش نهادهای قانونگذاری و اجرایی مربوطه در حوزه سیاست گذاری برجسته و مورد تأیید واقع شده است. عراق نیز مانند سایر کشورها، نهادها و قوانین تنظیم کننده حقوق و آزادی ها را ایجاد نمود و همچنین با ترسیم اختیارات خود را در مدیریت سیاست های مالی توسط قوه مجریه و تصویب آن توسط قوه مقننه، سعی بر انجام اصلاحات اقتصادی و رسیدگی به مشکلات داشته است. موانع و نکات منفی پیش روی اصلاحات، از جمله فقر، بیکاری، تورم، عدم تعادل ساختاری، فساد افسارگسیخته و موارد دیگر ما به این نتیجه می رساند:

^۲ این قانون در سال ۲۰۰۰ صادر شد و مربوط به خدمات صنعتی در بخش خصوصی بود که به منظور تنظیم و احیای این بخش تأسیس شد و درصدد افزایش کارایی کارگران و بررسی حقوق و دستمزد میباشد تا خدمات بهتری به شهروندان ارائه دهد و به کلیه پروژه های بخش خصوصی ارائه میشود که خدمات تعمیر و نگهداری دستگاه ها، تجهیزات، ماشین آلات، وسایل نقلیه و غیره را انجام میدهند.

۱. حقوق شهروندی به طور مطلق و غیرقابل کنترل اعمال نمی شود؛ بلکه به صورت مشروط و مشخص و بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی اعمال می شود، بلکه به صورت محدود و مدون بین محدودیت‌های امنیت ملی و سایر محدودیت‌های مربوط به منافع عمومی یا نظم عمومی در نوسان می‌باشد.
۲. اقتصاد عراق با رانت‌گرایی تک‌منبعی مشخص می‌شد، زیرا دهه‌های گذشته و تا به امروز ناتوانی خود را در رهایی از آن ثابت کرده است، زیرا بودجه عمومی دولت همچنان وابسته به درآمدهای نفتی در نسبت‌های بالایی از کل درآمدها است.
۳. اقتصاد عراق هنوز شکننده و ضعیف است و قابلیت تطبیق سیاست‌های مالی عمومی خود با سیاست‌های سازمان‌های بین‌المللی را ندارد. باید این امر را در نظر گرفت که عراق در کاهش بدهی‌های خارجی و منهل نمودن برخی از آنان و آزادسازی تجارت موفق بوده است؛ اما در زمینه خصوصی‌سازی، حکومت‌داری، رسیدگی به عدم تعادل ساختاری و مبارزه با فساد شکست خورده است.
۴. برنامه‌های اصلاحی اقتصاد عراق با موانع و چالش‌های سیاسی، امنیتی و اجتماعی مواجه بود و تداوم اجرای این برنامه‌ها، پیگیری و نظارت نتایج منفی در بر داشت و این امر بر حقوق بشر در عراق منعکس شد.
۵. افزایش چشمگیر نرخ فقر و بیکاری که ناشی از عجز نیروی کار تجدیدپذیر مازاد توسط بخش‌های اقتصادی بود، به عدم تعادل پیچیده در ساختار تولید و منابع منجر شد.
۶. مشارکت ضعیف بخش خصوصی در تولید به جذب نیروی کار مازاد رو به رشد منجر شد و فشار عظیمی را بر دولت و بودجه عمومی وارد آورد.

منايع:

إبراهيم، خليل اسماعيل، (٢٠١١). اثار الضرائب على الاستثمار في العراق. دار الكتب العربية.

توفيق عباس، عبد عون، صفاء عبد الجبار، علي، (٢٠١١). نموذج مقترح لتطوير البطاقة التموينية، المجلة العراقية للعلوم الاقتصادية والإدارية، دار العلم، العدد ٣٨.

الحلبي، عبد الجبار، (٢٠٠٨). الاقتصاد النفطي والاختلال الهيكلي، مركز العراق للدراسات البيئية، العراق - بغداد، الطبعة الأولى.

خضر، عباس وعلاء، عكاب، (٢٠١١). البطاقة التموينية وتحليل الواقع والخيارات، بيت الحكمة، مجلة دراسات اجتماعية، العدد ٥.

رائد خضير عبيس كاظم، (٢٠١٤). المشاريع الصغيرة وحاضنات الأعمال ودورها في التنمية الاقتصادية في بلدان مختارة مع إشارة للعراق، رسالة ماجستير، كلية الإدارة والاقتصاد - جامعة كربلاء.

الزبيدي، حسين غازي، (٢٠١٦). التنظيم الدستوري والقانوني للحقوق والحريات الاقتصادية (دراسة مقارنة)، رسالة ماجستير، كلية القانون - جامعة بغداد.

سالم، محمد عبود، سعد، عبد الستار طالب، (٢٠١٣). الأمن الوطني والتنمية، دار الدكتور للعلوم، الطبعة الأولى، بغداد.

سرمد عباس، جواد، (٢٠١١). البعد الاجتماعي للسياسة النقدية في العراق، بيت الحكمة، مجلة دراسات اقتصادية، العدد ٢٦.

سلام، عبد علي، مثال، عبدالله غني، (٢٠١٢). السياسة الاجتماعية في العراق (جدل دولة الرفاه والاقتصاد)، مجلة دراسات اجتماعية، العدد ٢٩.

سعيد، على عبدالمحمد،(٢٠٠١). التمكين أقتصادي والتنمية البشرية ومهمات السياسة أقتصاديته، دراسات في التنمية البشرية المستدامة في الوطن العربي، بيت الحكمة، الطبعة الأولى.
سالم محمد عبود، سعد عبد الستار طالب ، الأمن الوطني والتنمية، دار الدكتور للعلوم ، الطبعة الأولى ، بغداد، ٢٠١٠، ص ٥٨.

سلام، مها رحيم، (٢٠١٢). شبكة الحماية الاجتماعية والأمن الإنساني في العراق في اطار السياسة الاجتماعية، مجلة كلية التربية للبنات، العدد ٤.

سليم، عماد عبد اللطيف، (٢٠١٢). النظام أقتصادي في دساتير الدولة العراقية (١٩٢٥ - ٢٠٠٥)، مجلة دراسات اقتصادية ، العدد ٢٧.

عدي سلام، علي الطائي،(٢٠٠٨). واقع شبكة الحماية الاجتماعية في العراق وامكانيات تطويرها، مجلة بحوث مستقبلية، العدد ٢٤.

العاني، أسامة عبد المجيد، (٢٠١٣). أساليب التمويل الأصغر في العراق واقع وتحديات، بيت الحكمة، مجلة دراسات اقتصادية، العدد ٢٩.

عصام، عبد الخضر،(٢٠١٥). دور الموازنة العامة في تحقيق التنمية المستدامة في المنطقة العربية، مجلة كلية بغداد للعلوم أقتصاديته الجامعة، العدد ٤٥.

عصام، عبد الخضر،(٢٠١٥). دور الموازنة العامة في تحقيق التنمية المستدامة في المنطقة العربية، مجلة كلية بغداد للعلوم الاقتصادية الجامعة، العدد ٤٥.

مسلم، على عبد العلي، (٢٠١٤). نحو إستراتيجية فعالة للتنمية أقتصاديته في العراق، مجلة جامعة الانبار للعلوم أقتصاديته والإدارية ، عدد خاص، المؤتمر العلمي الثاني .

مسلم، مها رحيم، (٢٠١٢). شبكة الحماية الاجتماعية والأمن الإنساني في العراق في إطار السياسة الاجتماعية، مجلة كلية التربية للبنات، العدد ٤ .

- مناهل، مصطفى عبد الحميد، سهيلة نجم، عبود، (٢٠١٣). دور التمويل في دعم المشاريع الصغيرة في العراق، مجلة العلوم الاقتصادية والإدارية، العدد ٧٠.

منعم احمد، خضر وسعد صالح، عيسى و ياسين موسى، جاسم، (٢٠١٣). أزمة بطالة الخريجين في العراق وسبل مواجهتها، مجلة دراسات اقتصادية، العدد ٣٠.

مها رحيم مسلم، (٢٠١٢). شبكة الحماية الاجتماعية والأمن الإنساني في العراق في إطار السياسة الاجتماعية، مجلة كلية التربية للبنات، العدد ٤ .
ناهدة عبد الكريم، (٢٠١١). السياسة الاجتماعية في العراق، بيت الحكمة، العراق - بغداد، الطبعة الأولى.

ناهي الحمداني، احمد عبدالله، (٢٠١٨). صلاحيات رئيس الجمهورية في الدستور العراقي الدائم، مجلة قضايا سياسية، العدد ٥٠، كلية العلوم السياسية، جامعة النهرين، ٢٠١٨.

نيري وودز، (٢٠١٠). قلاع العولمة عن (صندوق النقد الدولي، والبنك الدولي، والمقترضين)، ترجمة محمد رشدي محمد سالم، ط ١، القاهرة، المركز القومي للترجمة، ٢٠١٠.

هادي، زينب، نعمة الخفاجي، (٢٠٠٨). شبكات الحماية الاجتماعية وتأثيرها الحد من ظاهرة الفقر في بلدان مختارة، رسالة ماجستير، جامعة كربلاء، كلية الإدارة والاقتصاد.

هلال، جودة، عيسى، رجا عبدالله، (٢٠١٠). العلاقة بين النمو الاقتصادي والبطالة في العراق باستخدام قانون okyn واختبار Toda - gawaw، القادسية للعلوم الادارية والاقتصادية، كلية الادارة والاقتصاد، جامعة القادسية، العدد ٣.